



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۱۴

حامد نوید

شهر باستانی آی خانم

قسمت اول

نوشته های کلاسیک تاریخنگاران روم و یونانیان قدیم پخش فرهنگ هلنیستیک را تا سواحل رود آکسوس Oxus (آمودریا) و دامنه کپساران اندیکس Indicus (هندوکش) گواهی میداد، اما دسترسی پژوهشگران اروپایی در افغانستان محدود بود، تا اینکه در سال ۱۸۳۸ میلادی شاه شجاع توسط قوای بریتانیا در کابل نصب شد و زمینه تحقیق تا اندازه فراهم گردید. چارلس میسن **Charles Manson** گزارشگر و سیاح بریتانیوی نخستین کسی بود که سکه های شاهان یونان باختری را از شمال افغانستان کشف کرد. متعاقباً جان وود **John Woo** باستانشناس انگلیس در جستجوی شهر گمشده یونانی در باختر برآمد و سفری بشمال افغانستان نمود، اما هیچ نشانه از آن شهر تاریخی نیافت. در سالهای ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۵ الفرد فوشه باستانشناس معروف فرانسوی به اجازه رسمی شاه امان الله، سفری به بلخ و اطراف آن کرد، ولی سفر او هم نتیجه مثبتی نداد. سپس در سال ۱۹۲۶ جولیس بوردو **Jules Barthoux** باستانشناس دیگری از کشور فرانسه برای یافتن این شهر تلاشهای فراوانی کرد اما او هم نتوانست که این شهر افسانوی را پیدا کند.

در سال ۱۹۶۴ هنگامیکه محمد ظاهرشاه پادشاه فقید افغانستان در ولایت تخار در کنار دریای کوچک مشغول شکار بود به سر ستونی های مرمرینی برخورد که سبک یونانی داشت، عکس هایی از آن برداشت و در اختیار باستانشناسان افغان و فرانسوی قرارداد. همان بود که حفريات تاریخی در قریه کوچک آی خانم آغاز گردید و بدین ترتیب شهر افسانوی ایکه همه در جستجویش بودند، بصورت تصادفی کشف شد.

دراثر تحقیقاتی که در آی خانم صورت گرفت، عده ای از باستانشناسان فرانسوی به این نظر رسیدند که این شهر باید چندی بعد از مرگ اسکندر در کنار رود آمو و دریای کوچک در قرن سوم ق.م. اعمار گردیده باشد. ازینرو اسکندریه ای نیست که همه فکر میکردند در جوار رود آمو به امر وی اعمار گردیده، اما برخی از دانشمندان این نظر را رد نموده و پس از مطالعه اسناد تاریخی کهن به این نتیجه رسیدند که این شهر تاریخی همان اسکندریه ایست که اسکندر در قرن چهارم ق.م اساس آنرا گزارده، در قرن سوم ق.م انتاکیوس پسر سلوکیوس جنرال اسکندر در آن تعمیراتی نموده و در قرن دوم ق.م اکروتیدیس **Eucratides** شاه یونان باختری آنرا به شهر آبادانی تبدیل نموده که بنام وی بنام شهر **Eucratideia** اکراتیدیا یاد گردیده. شهر اکراتیه به تلفظ شرقی و اکراتیدیا به تلفظ یونانی که امروز بنام محلی آن «آی خانم» در زبان ازبکی بمعنی مه بانو مشهور است،

بشکل مثلث گونه ای در میان رود زر افشان کوکچه و دریای پنج دربش شرقی آمو دریا قرار دارد و بگمان اغلب شهر تجارتی مهمی در میان ایالات غربی چین و شهر زیرپاسه یا بلخ در سرزمین باختر بوده است.



نقشه شهر آی خانم

جاده مرکزی ایکه از وسط این شهر تاریخی میگذرد آنرا به دو بخش یعنی قسمت بالائی و پائین شهر تقسیم نموده است. جاده عمومی شهر به استقامت غرب به شرق از ساحل دریای کوکچه تا به دروازه عمومی به طول چند کیلومتر امتداد دارد. از قرار معلوم به دو طرف این جاده دکان هائی موقعیت داشته که مرکز تجارتی اکراتییه را در ازمنه کهن تشکیل میداده است. کاروانهای بازرگانی که از سرزمین های دوردست شرقی یعنی ایالت سیکیانگ چین به اکراتییه باستان یا آی خانم امروز میآمدند، پس از داد و ستد در بازار های مزدحم آن بسوی بلخ راه میگشوده و از آنجا به سوب جنوب راهی کابل و گنده هاره میشدند تا سرانجام محموله های خود را در بازار های هند بفروش برسانند و در راه بازگشت امتعه هندی را با خود به باختر بیاورند. بشقاب های فلزی ایکه با طرح های تزئینی هندی از ویرانه های این شهر باستانی بدست آمده نمایانگر استحکام روابط تجاری میان اهالی باختر و مردمان هند میباشد. بهمین ترتیب تجار و سوداگرانی که ازین شهر رهسپار غرب میگشته اند، پس از عبور از بلخ و فاریاب و هری و گذر از شهر زیبای تپوریا (تیریز) وارد قلمرو امپراتوری سلوشی شده و در شهر انتیاک Antioch یا انطاکیه با تاجران رومی داد و ستد میکرده اند.

با آنکه شهرآی خانم از دوطرف با دریاها و کوکچه محاط بود، باآنهم این شهرباستانی توسط دیوارهای قطوری محافظت میگردد. در هر بخش این دیوار دفاعی با صلابت استحکامات نظامی و برجهای دفاعی مجهزی

در فاصله های معینی اعمار گردیده بود تا شهر اترکیه را از خطر تهاجمات محفوظ نگهدارد. باستان شناسان بقایای این دیوار طولانی را در حین حفاریات پیدا نمودند ه اند.



تصویر کامپیوتری شهر آی خانم به اساس یافته های باستانشناسان

تصویریکه درینجا به ملاحظه میرسد، نمای عمومی شهر اکراتیه را بصورت دقیق به اساس یافته های باستان شناسان در هنگامیکه آباد بوده، نشان میدهد. این تصویرکامپیوتری تا اندازه زیادی میتواند بیننده را با نقشه عمومی شهر آشنا سازد. طوریکه دیده میشود اکثر بناهای مهم شهر، یعنی ساحه پائین شهر در کنار دو دریای خروشان و زیبای کوچک و آمو ساخته شده و در نقطه تقاطع آن قصر شکوهمندی قرار داشت که مقر فرماندهی اکروتیدیس بود. کاوشهای باستان شناسان نشان میدهد که قلعه نظامی یا بالا حصار شهر و یکتعداد منازل رهایشی بر فراز آن تپه ها موقعیت داشته که با ستونپایه های کرونیتین و دریک Doric به سبک یونانی مزین بوده است. طوریکه قبلاً دربحث سبکهای معماری کلاسیک یونان گفتیم، ستون پایه های سبک دُریک قطورتر بودند و سر ستونی های آن با سنگهای مستطیل یا مربع شکل بدون تزئینات زیاد اعمار میگرددیدند؛ اما برخلاف سرستونی های سبک کرونیتین با گل و برگکاری تزئین میافتند. هردو شیوه در هنر معماری قصرهای آی خانم بکار رفته است. و لیکن سبک دیگر یونانی که بنام آیونیک Ionic یاد میشد و درآغاز شرح تمدن عصر کلاسیک یونان بدان اشاره نمودیم به علتی که نزد ما معلوم نیست، در عمارات آی خانم وبلخ دیده نمیشود.



سر ستونی کروننتین آی خانم

کاخ آی خانم در نقطه شمالی شهر با ستونپایه های قطور مرمرین و سرستونی های مزین به شیوه کروننتین از زیباترین عمارات شهر اکراتیه بود. سرستونی های کروننتین مانند سبد مرمرینی مزین با برگهای پهن بر فراز ستونهای مرتفع بر زیبایی کاخ می افزود. در داخل قصر دهلیزهای طولانی ای وجود داشت که با سرستونی هائی بشیوه دریک Doric آراسته شده بودند. باستانشناسان در حدود ۶۰ ستون مرمرین سبک دریک را از محوطه داخلی قصر پیدا کرده اند، اما بیشتر سرستونی های که از آی خانم بدست آمده به سبک کروننتین است، چه این نوع سرستونی ها به مذاق باختریان پسندیده تر مینمود. کاخ شکوهمند آی خانم بنا بر عنعنات شرقیان از دو بخش مجزا یعنی بخش اداری و بخشیکه مقر بود و باش زنان و اطفال است اعمار گردیده. این شیوه در عمارات گریکورومن کمتر بچشم میخورد. آنچه سبک معماری کاخها و معابد آی خانم را از ابنیه گریکورومن تفاوت کلی میبخشد شیوه خشتکاری آن بگونه محلیست. اکثر عمارات آی خانم با خشتهای گلی خام و برخی با استفاده از خشتهای پخته اعمار گردیده که در افغانستان قدیم و در کشور های دیگر شرقی دارای اقلیم خشک، معمول بود. برخلاف، در ممالک اروپایی و برخی از سرزمین های شرقی دارای اقلیم مرطوب، از سنگ مرمر و احجار دیگر استفاده بیشتر بعمل می آمد.



نمایی از برنده قصر آی خانم بر فراز رود کوکچه

این تصویر برنده قصر آی خانم را با چشم انداز وسیع آن بر فراز رود خروشان کوکچه نشان میدهد که زمانی با ستونپایه های مرمرین مزین بود. هویداست که سبک خشتکاری آن از شیوه معماری یونانی با دیوارهای بنا یافته از سنگ های مکعب و مستطیل شکل تفاوت دارد.

برخلاف عمارات گریکورومن با بامهای مثلث شکل، ابنیه آی خانم با پیروی از سبک معماری محلی بامهای هموار داشتند که با بستن دستک های چوبین بنا می یافت، اما تزئینات آن به شیوه یونانی بود. این سبک معماری که بر قواعد ساختمانی دو فرهنگ دور از هم در قرن سوم ق.م پا بعرضه وجود گذاشت، آمیختن دو مدنیت را گواهی میداد و این آمیزش را تاریخنگاران بنام هنر یونان باختری یا هنر هلنی باختر یاد کردند. بطور مثال اشکال تزئیناتی ایکه بنام Antefix انتیفیکس یاد میشد و بشکل برگهای پهن درخت خرما از گل پخته شکل مییافت در عمارات آی خانم دیده میشود که برگرفته شده از سبک معماری یونان باستان است. این عنصر تزئینی که در عمارات روم باستان نیز معمول گشت از سیرامیک یا گل پخته کاشی شده ساخته میشد و در بالای بامها در فاصله های معینی نصب میگردد. البته هر هنرمند مختار بود تا طرح دلخواه خود را با الهام از برگهای پهن گیاهان ایجاد کند. ناوه های که از شهر آی خانم، بخصوص معبد آن کشف گردیده نیز اشکال ابتکاری دارند. طرح های مانند سرانسانهای هیولا مانند با دهنهای باز که از آی خانم کشف گردیده نهایت دلچسپ اند. این نوع پرداخت به جزئیات ذوق ظریف معماران آندوره را در تزئین عمارات آی خانم نشان میدهد.

در ساحه آی خانم دو معبد باستانی قرار داشت که یکی در داخل و دیگری در بیرون محوطه شهر اعمار گردیده بودند. هر دو معبد طرح ساختمانی تقریباً مشابهی دارند و سبک معماری شان بسیار متفاوت از معابد یونانیست.

معبد خارج حصار در کنار دروازه عمومی شهر در سمت راست با عظمت و شکوه‌مندی خاصی اعمار گردیده بود تا نظر بازرگانان و مسافران را از فاصله‌های دور جلب نماید. این معبد بزرگ مستطیل شکل بالای یک تهداب سه طبقه‌ئی برپا بود که سبک معماری خاص خود را دارا بوده و با شیوه معماری معابد یونانی شباهتی نداشت.



نمای از معبد خارج حصار

جاده مستقیمی از مرکز محوطه بیرونی معبد گذشت و به زینه‌های مقابل درب ورودی نیایشگاه در وسط این ساختمان بزرگ وصل می‌گردید. درب ورودی به دالانی باز میشد که در انتهای آن عبادتگاه بزرگی قرار داشت. در چهار سمت عبادگاه اتاقهای کوچکتری برای نیایش‌های خصوصی اعمار گردیده بود تا در مواقع مختلف قابل استفاده باشد. برخلاف معبد مستطیل شکل خارج از محوطه شهر، معبد داخلی بالای طرح مربع شکلی در کنار جاده عمومی در نقطه مزدحمی بنا یافته بود و در داخل آن علاوه از عبادتگاه مرکزی اتاق‌های مطالعه و نیایش‌های خصوصی نیز وجود داشت. این ساختمان نیز بالای تهداب سه مرتبه‌ئی استوار بود که از نگاه اندازه از قاعده به رأس بتدریج خورد تر می‌گردید.

به قرار یافته‌ها و نظریات دانشمندانی که معابد آی **خانم** را مطالعه نموده‌اند، پیکره‌های ممثل ایزدان آریایی و یونانی مانند **زوس**، **آهورا مزدا**، **آرس**، و **رتاغنه** خدای جنگ در فرهنگ اوستایی **نایک** و **اناهایتا** در هر دو معبد وجود داشت. از بقایای این پیکره‌ها که اکثر آن شکسته، میتوان به موجودیت شان پی برد. بطور مثال بقایای مجسمه مرمرین **هرکولیس** با آنکه قسمت سر و صورت آن از بین رفته، مشخص است که به **هرکول** تعلق دارد. همچنان بقایای مجسمه **زوس** از روی مجسمه پای شکسته‌ایکه چپلی پوشیده و با نقش پرندۀ توفانهای دریایی یعنی سیمول زوس مزین است، دال بر بودن پیکره **غول پیکر زوس** در داخل معبد است.

همچنان مجسمه مرمرین اسکندر که در نزد خاور شناسان بنام "اسکندر باختری" معروف است و از شهر آی خانم کشف گردیده، گسترش هنر هیکل‌تراشی شیوه یونانی را در باختر گواهی میدهد. با آنکه این پیکره از نگاه

تناسب کاملاً درست نیست و سر آن نسبت به تنه بزرگتر آفریده شده، اما بیانگر آرزوی دیرینه اسکندر مقدونی مبنی بر برافراشتن پیکره وی در پهلوی خدایان زورمند یونانی چون زوس و هرکولیس میباشد.

از قرائن چنین معلوم میگردد که این مجسمه از روی پیکره های یونانی توسط هنرمندان باختری ایجاد شده باشد چون شناخت آناتومی بدن و شکل پردازی عضلات از زیبایی های هنر کلاسیک یونان برخوردار میباشد.

پایان قسمت اول

